

امید در عصر بی قراری



قادر باستانی‌تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

در جهانی آکنده از ناملایمات بیرونی و فرسایش‌های درونی، خوش‌بینی و امید، صرفاً یک احساس نیست، بلکه موضعی اخلاقی و راهی برای تاب‌آوری در میانه روزگار پُر آشوب است. جامعه‌ای که امید را به‌عنوان وظیفه می‌فهمد، افق‌های تازه‌ای پیش رویش می‌گشاید و پیوندهای انسانی‌اش را نیز نجات می‌دهد. نیاز امروز ما ایستادگی در برابر فرسایش روح جمعی است. همان‌طور که دیدگاه‌های سیاسی می‌توانند خوش‌بینانه یا بدبینانه باشند، ملت‌ها نیز گاه امیدوار و سنازنده‌اند و گاه نیازمند بازیابی انرژی و اعتمادبهنفس‌اند. لایلد در جامعه ما، خوش‌بینی به آینده، باید نشانه‌ای از امید و نوعی وطن‌دوستی باشد. در مقابل، بدبینی، گاه معادل نوعی نافرمانی نرم تلقی می‌شود. انگار که بدبین بودن، یک خطای فکری یا انکار جمعی است. با این حال، حتی در دوران‌هایی که تفق‌ها تیره‌اند، نوعی باور جمعی از توان، پایداری و برتری در ناخودآگاه ملی ما فعال می‌شود؛ نیرویی پنهان که بی‌وقفه در پس‌زمینه ذهن جامعه کار می‌کند تا آن را از فروپاشی درونی محافظت کند. بالا بردن سطح خوش‌بینی، نوعی تعهد مشترک انسانی است. نوعی اخلاق ناخفته، ما را وامی‌دارد تا تصویر روشنی از آینده ترسیم کنیم؛ حتی وقتی در واقعیت، نشانه‌های روشنی در دست نیست، وظیفه ما به‌عنوان شهروند و انسان، ایستادگی بر امکان بهبود است، حتی اگر چشم‌انداز فعلی، چندان امیدوارکننده نباشد. آنتونی سیولی و هنری بیلر، نویسندگان کتاب «امید در عصر بی‌قراری» بر همین نکته دست می‌گذارند. از نظر آنان، امید نه احساس خام و خوشایندی است و نه خوش‌خیالی کودکان؛ بلکه سازوکاری دفاعی و پیچیده برای بقاست. امید، پلی می‌سازد میان اضطراب‌های مزمن و تسلیم‌شدن به افسردگی. همچنین در بدن ما، با تنظیم سطح انتقال‌دهنده‌های عصبی، هورمون‌ها و لنفوسیت‌ها، در حفظ تعادل روانی و ایمنی نقش دارد. به‌عبارتی، ناامیدی نه‌تنها فرد را فرسوده می‌کند، که سلامت اجتماعی و سیاسی را نیز تهدید می‌کند. خدا را چه دیدی، شاید روزی برسد که در آزمایشگاهی در جهان، قرصی برای «امید» بسازند؛ همان‌طور که امروز داروهایی برای اضطراب و افسردگی داریم. اما همین‌تصور، به‌ظاهر شیرین، برای فیلسوفی چون ویلیام جیمز، نگران‌کننده بود. او باور داشت که اگر زندگی را جدی بگیریم، باید بپذیریم که فقدان، رنج و محدودیت، بخشی از واقعیت‌اند. در ته‌ر فتنان، جرعه‌ای تلخ هم باقی می‌ماند، و همین تلخی است که به زندگی عمق و معنای انسانی می‌بخشد. در جهانی پُر آشوب و پُرسرعت، گاهی مفید است از جریان پُرتنش روزمره کمی فاصله بگیریم تا بتوانیم افق تازه‌ای ببینیم. در زمانه‌ای که خشونت و هیا هو سایه می‌افکنند، زبان، خیال و سکوت بار دیگر به نیرویی زنده بدل می‌شوند؛ ابزارهایی برای بازآفرینی معناترمیم‌پیوندهای انسانی. زبان، پیش از آن که ابزاری برای سلطه باشد، پلی است برای همدلی، گفت‌وگو و نزدیکی دل‌ها. واژه‌های ساده، صادق و انسانی می‌توانند از مرزها عبور کنند و دل‌هایی دور از هم را به‌هم پیوند دهند. در کنار زبان، خیال نیز نقش مکملی ایفا می‌کند، خیال، دشمن واقعیت نیست؛ مکمل آن است. در جهانی که اخبار و تصاویر، ذهن ما را اشغال کرده‌اند، خیال به ما یادآوری می‌کند که انسان بودن، یعنی توانایی درک درد دیگری، حتی بدون دیدن چهره‌اش. همین خیال است که از دل یک شعر، یک داستان، یا حتی یک صدای ناشناخته پلی به سوی جهانی می‌سازد که هنوز دوستی در آن معنا دارد. زیستن بی ادعا، نیکی بی نام، و حضور بی تکلف، شکلی از پایداری خاموش در برابر ناملایمات بیرونی است. چه‌بسا بسیاری از پیوندهای انسانی، از دل همین سکوت و خلوت متولد می‌شوند؛ وقتی دستی را بی‌صدای می‌گیریم، پیمایی را بی‌نام می‌فرستیم، یا تنها با نگاهی، آرامشی را منتقل می‌کنیم. در جهانی که واژه‌ها زخمی‌تر، مرزها تیزتر و فضاها تنگ‌تر شده‌اند، شاید تنها راه بقا، بازگشت به انسانیت اصیل باشد؛ نه با شعارهای بلند، که با تمرین‌های روزمره دیدن، شنیدن، فهمیدن و دل‌سپردن. هر پیمایی که با احترام نوشته می‌شود، هر جمله‌ای که با سکوتی از درک همراه است، خود شکلی از مقاومت است. رسالت ما در هیاهوی عصر فراموشی، شاید در حفظ لحظه‌های کوچک اما شریف انسانی باشد؛ لحظه‌هایی که در آن، زبانی با احترام سخن می‌گوید، خیال پلی به سوی دیگری می‌سازد و نگاهی نادیده، انسانی را آرام می‌کند. همین پیوندهای کوچک و خاموش، اما زنده‌اند که جهان را از سقوط کامل بازمی‌دارند. امید، نه یک فریب، که انتخابی اخلاقی است؛ پاسداشت رگه‌های نور، در دل جهانی که بی‌وقفه به سوی خاموشی می‌تازد.

۱۶ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

سکوت بی طرفی نیست

بررسی چرایی و پیامدهای تعلیق عضویت انجمن جامعه شناسی اسرائیل از انجمن بین‌المللی جامعه شناسی



نیلوفر نادری

روزنامه‌نگار

مسئله فلسطین، به‌ویژه بحران نوار غزه، سال‌هاست که به یکی از حساس‌ترین و پرتنش‌ترین موضوعات بین‌المللی تبدیل شده است. تنش‌های نظامی، محاصره، حملات متقابل و محدودیت‌های شدید انسانی باعث بروز بحران‌های انسانی گسترده‌ای شده که بسیاری از سازمان‌های حقوق بشری آن را نقض جدی حقوق بشر و حتی نسل‌کشی می‌دانند. حالا به نظر می‌رسد که این موضوع به یک آزمون بزرگ برای نهادهای علمی و دانشگاهی نیز تبدیل شده است؛ آزمونی که باید در آن تعادلی میان استقلال علمی و مسئولیت اخلاقی برقرار کنند. انجمن جامعه‌شناسی اسرائیل به‌عنوان نماینده جامعه علمی این کشور در این آزمون عملکرد قابل‌قبولی نداشته و نسبت به جنایاتی که اسرائیلی‌ها انجام داده و می‌دهند، سکوت کرده است. به همین دلیل، انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی عضویت این انجمن را به حالت تعلیق درآورده است. در گفت‌وگو با سیدحسین سراج‌زاده، رئیس اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران و سمیه توحیدلو، عضو هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران به این اقدام انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی و پیام‌ها و پیامدهایش پرداختیم.

❖ بی‌طرفی ارزشی به معنای بی‌تفاوتی نیست



سیدحسین سراج‌زاده، رئیس اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران تصمیم انجمن بین‌المللی را نشانه‌ای از یک اصل کلیدی می‌داند: «جامعه‌شناسان علاوه بر مسئولیت‌های علمی و پژوهشی که دارند، باید به مقوله مسئولیت اجتماعی نیز توجه کنند و بی‌تفاوتی از سمت‌انها قابل‌قبولی نیست.» همین رویکرد است که اکنون جامعه‌شناسی جهانی را درگیر پرسشی جدی کرده: آیا می‌توان در برابر مصیبت‌ها، جنگ‌ها و سرکوب‌ها فقط به تحلیل علمی بسنده کرد و از مداخله اخلاقی سرباز زد؟ سراج‌زاده پاسخ این پرسش را به روشنی بیان می‌کند: «انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی یکی از معتبرترین نهادهای جامعه‌شناسی در سطح جهانی است که وقتی نسبت به موضوعی موضع‌گیری می‌کند، نشان‌دهنده اهمیت آن موضوع برای جامعه‌شناسان است. تعلیق عضویت انجمن جامعه‌شناسی اسرائیل توسط این انجمن بین‌المللی، نشان‌دهنده اهمیت جهانی مسئله غزه بر اساس معیارهای حقوق بشر است. این اقدام حامل این پیام است که جامعه‌شناسان علاوه بر مسئولیت‌های علمی و پژوهشی که دارند، باید به مقوله مسئولیت اجتماعی نیز توجه کنند. جامعه‌شناسی، علمی انتقادی است که می‌کوشد علاوه بر شناخت پدیده‌ها به فکر بهتر کردن شرایط جوامع و زندگی انسان‌ها هم باشد. آن بی‌طرفی ارزشی که ماکس وبر از آن صحبت می‌کند، به معنای بی‌تفاوتی نسبت به رویدادها نیست، بلکه منظور پرهیز از قضاوت‌های شخصی و ارزشی در امر شناخت (توصیف و تبیین) است تا شناخت پدیده‌ها به تحریف آلوده نشود.»

❖ گستره واکنش‌های انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی

بر خلاف تصور رایجی که می‌کوشد علم اجتماعی را منزوی از اخلاق نشان دهد، کنش انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی نشان داد که معیارهای جهانی حقوق بشر می‌توانند چارچوبی برای موضع‌گیری علمی نیز باشند.

به همین خاطر است که **سمیه توحیدلو، عضو هیئت‌مدیره انجمن جامعه‌شناسی ایران** این تصمیم را فقط واکنشی فوری به شرایط غزه نمی‌داند، بلکه آن را در ادامه مواضع پیشین این نهاد بین‌المللی تحلیل می‌کند: «انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی از اعضای حقیقی و حقوقی تشکیل شده است. این انجمن یک اجلاس جهانی دارد که هر دوسال یک‌بار برگزار می‌شود و امسال هم در مراکش است. در این اجلاس‌ها بیش از شش‌هزار نفر سخنرانی می‌کنند و موضوعاتی که درباره آنها به بحث و گفت‌وگو می‌نشینند، مسائل روز جهان است. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی در سال ۱۴۰۱ در واکنش به بیانیه انجمن جامعه‌شناسی ایران که درباره وضعیت زنان و جنبش‌های مردم ایران بود، بیانیه‌ای صادر کرد و وقتی ماجرای غزه به آوج خودش رسید، این مجموعه با انتشار بیانیه‌ای اقدامات اسرائیل در برابر فلسطینی‌های غزه را محکوم کرد و گفت که اسرائیل در حال نسل‌کشی و کودک‌کشی اهالی غزه است؛ اقدامی که ضد قوانین حقوق بشر است و باید علیه آن موضع‌گیری کرد.»

از نگاه توحیدلو، این بیانیه‌ها فقط ابزارهای کاغذی نیستند؛ بلکه مواضعی‌اند که در سطح جهانی معنا و اعتبار دارند. همان نهاد، کمی بعد در بیانیه‌ای دیگر بر اهمیت آزادی آکادمیک نیز تأکید کرده است: «این مجموعه بهتر در بیانیه دیگری اعلام کرد که جامعه‌شناسان و شخصیت‌های علمی و دانشگاهی باید بتوانند بدون تاوان دادن و تسویه حساب‌های سیاسی یا از دست دادن شغل‌شان، نسبت به چنین مسائلی موضع‌گیری کنند و آزادی‌بیان داشته باشند. این بیانیه در حالی منتشر شد که برخی از شخصیت‌های علمی و جامعه‌شناسان به خاطر موضع‌گیری‌هایشان علیه اقدامات صهیونیست‌ها دچار مشکل شده بودند؛ برخی تعلیق و برخی دیگر حتی زندانی شده بودند. در این بیانیه‌روی آزادی‌بیان و دانشگاه آزاد صحنه گذاشته بودند و از همه انجمن‌ها و اعضا خواسته بودند

که از موضع‌گیری‌هایشان درباره مسائل جهان دست برندارند.» اما اوج ماجرا زمانی رخ داد که حمله‌نظامی اسرائیل به ایران، واکنش‌های تازه‌ای را برانگیخت. توحیدلو در این باره می‌گوید: «در ابتدای ماجرای اخیر که ایران درگیر جنگی ۱۲ روزه با اسرائیل شد، انجمن جامعه‌شناسی ایران با همراهی اتحادیه انجمن‌های جامعه‌شناسی که دربرگیرنده انجمن جامعه‌شناسی ایران و ۱۸ انجمن علوم اجتماعی دیگر می‌شود، نامه‌ای به انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی نوشتند و خواستار موضع‌گیری صریح این مجموعه نسبت به اقدامات اسرائیل و دفاع از ایران شدند. انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی هم در بیانیه‌ای حمله اسرائیل به ایران را به‌صراحت محکوم کرد.» به فاصله کوتاهی، واکنش جدی‌تر و ساختاری‌تری در دستور کار انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی قرار گرفت. او در این خصوص اظهار می‌کند: «چند روز بعد، کمیته حقوقی انجمن بین‌المللی به‌خاطر عکس‌العمل‌ها نسبت به غزه به مسئله غزه نیز واکنش نشان داد و طی بیانیه‌ای عضویت انجمن جامعه‌شناسی اسرائیل را به حالت تعلیق درآورد و ضمن محکوم کردن جنایت‌های صهیونیست‌ها، روی این مسئله صحنه گذاشت که انجمن جامعه‌شناسی اسرائیل باید وای سیاست عمل کند و همدست جنایت‌ها نشود و باتوجه به اینکه این انجمن توجهی به پیام‌های آنها در راستای موضع‌گیری نکرده است، عضویت‌اش را معلق می‌کند.»

❖ تأکید انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی بر اصل عام‌گرایی

در این تصمیم، همان‌طور که سراج‌زاده اشاره می‌کند، نوعی هشدار نهفته است: «مسئله فلسطین به‌خاطر جنایات و نسل‌کشی اسرائیل در غزه بیش از پیش برای جامعه جهانی مهم و افکار عمومی نسبت به آن حساس شده است و دانشگاهیان در این زمینه پیشرو بوده‌اند. تعلیق پیش‌آمده، دلالت‌ها و پیامدهای نمادین مهمی دارد. انجمن جامعه‌شناسی اسرائیل با فشار اجتماعی و دانشگاهی در سطح جهانی روبرو می‌شود، اما مسئله مهم‌تر این است که به همه جامعه‌شناسان جهان یادآوری می‌شود که از نظر ارزشی و اخلاقی نباید فقط در قالب منافع دولت-ملت‌ها موضع‌گیری کرد. حقایق و ارزش‌های انسانی، فراتر از منافع و رفتارهای دولت‌های ملی یا چارچوب‌های محدود قبیله‌ای، مذهبی، ملی و... است. این اقدام انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، تأکید بر عام‌گرایی در برابر خاص‌گرایی است.»

❖ باید علیه هر فرمی از ستم و سلطه ایستاد

در جهانی که مرزهای جغرافیایی، سیاسی و ایدئولوژیک بیش از پیش در حال فروپاشی است، چنین مواضعی می‌توانند الگوی جدیدی از کنش علمی ارائه دهند؛ مدلی که در آن سکوت، نشانه بی‌طرفی نیست، بلکه می‌تواند نشانه بی‌تفاوتی باشد. سراج‌زاده این معیارها را چنین تعریف می‌کند: «رابطه و نسبت میان علم، سیاست و اخلاق بحث‌دانه‌دار و مجادله‌آمیز است، اما مسلم است که هدف اصلی علوم اجتماعی، کاهش رنج بشر و بهبود زندگی انسان‌هاست. در نتیجه عالمان اجتماعی در کنشگری اجتماعی خود به ناچار موضع‌گیری ارزشی دارند. در جامعه‌شناسی برابری، آزادی و حقوق بشر ارزش‌هایی هستند که بیشترین توافق و اجماع درباره آنها وجود دارد. به همین دلیل انجمن بین‌المللی جامعه‌شناسی، اقدامات ضدحقوق بشری اسرائیل را محکوم و عضویت انجمن اسرائیل را معلق کرده است. همچنین در پاسخ به نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران و اتحادیه انجمن‌های علوم اجتماعی ایران، حمله تجاوزکارانه اسرائیل به ایران را هم محکوم کرده است. نکته مهم این است که در این موضع‌گیری‌ها، تقریباً استانداردهای دوگانه ندارند. به‌طوری‌که به هنگام حمله تجاوزکارانه روسیه به اوکراین یا انجمن جامعه‌شناسی روسیه هم برخورد مشابهی داشتند.»

توحیدلو معتقد است، بسیاری از افراد که فکر می‌کنند که جامعه‌شناسان ایرانی محافظه‌کارند، این در حالی است که اهالی جامعه‌شناسی همیشه پشت مردم ایران و حتی منطقه ایستاده‌اند و در بزنگاه‌های خاص تاریخی نسبت به هر ظلمی که از داخل و خارج کشور به افراد و گروه‌ها شده است، واکنش نشان داده‌اند. جامعه‌شناسی علمی انتقادی است و باید صدای گروه‌ها و افراد ستم‌دیده باشد. در داخل کشور عده‌ای می‌خواهند با تأکیدروی جامعه‌شناسی اسلامی یا بومی جهت‌گیری‌های ما را تغییر دهند. در صورتی که ما منتقد هر فرمی از ستم هستیم؛ چه در داخل ایران، چه در غزه و چه در کجای جهان. او می‌گوید: «بلند کردن صداهای گوناگون اجتماعی یکی از وظایف مهم جامعه‌شناسان است و برای این کار تلاش می‌کنند تا گروه‌های مختلف را پاس بدارند و هویت‌های آنها را بشناسند تا صدای آنها شوند. به همین دلیل حاکمان کشورهای مختلف سر سازگاری با جامعه‌شناسان و انجمن‌هایشان ندارند و آزادی‌بیان و آزادی علمی آنها را می‌گیرند. به هر صورت هنوز نهادهایی هستند که صدای مردم را به همه جهان برسانند. بسیاری از منتقدان علوم اجتماعی نهادهای بین‌المللی را محافظه‌کار می‌دانند. این در حالی است که اتفاقاتی از این قبیل برعکس این را نشان می‌دهد.»

در نهایت این تصمیم اگر چه شاید تأثیری فوری بر سیاست‌های اسرائیل نداشته باشد، اما به شکلی نمادین و پایدار، معیارهای اخلاقی جامعه‌شناسی جهانی را بازتعریف می‌کند. به تعبیر سراج‌زاده، بنی‌آدم اعضای یک پیکرند، که در آفرینش ز یک گوهرند. هنگامی که یکی از این اعضا در رنج است، خاموش ماندن دیگران نه نشانه خرد، بلکه نشانه خیانت به گوهر مشترک انسانی است.

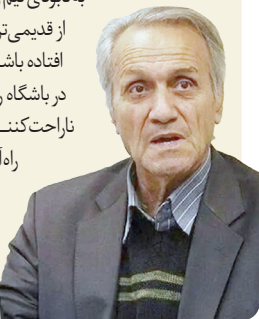
چهره

پایان «خدمتگزار خاموش»

سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

شاید باید به‌مرور عادت کنیم که بزرگان و استعدادیاب‌های فوتبال ایران در سکوت خبری و بی‌توجهی کامل از میان ما بروند. یک قیاس سرانگشتی با کشورهای پیشرفته کافی است که ببینیم، رفتار درستی با بزرگان فوتبال ایران نداشته‌یم. بایکوت‌شدن‌شان برای افرادی باشد که کارنامه مقبولی نداشتند اما متأسفانه رفتارها طوری است که تأثیرگذارهای فوتبال ایران باید بارها در مصاحبه‌هایشان اعلام کنند، چرا از یاد فراموش شده. به اصل مطلب برگردیم. جامعه فوتبال ایران یکی از چهره‌های مؤثر و پیشکسوت خود را از دست داد. امیر ابوطالب، مربی سازنده و بازیکن قدیمی فوتبال ایران، در سن ۸۸ سالگی دار فانی را وداع گفت. این مربی باتجربه، که سال‌ها از عمر خود را صرف پرورش استعدادهای جوان فوتبال کرده بود، ۱۵ تیرماه ۱۴۰۴ چشم از جهان فرو بست. پدرش کارمند راه‌آهن بود و خودش از دوران نوجوانی با باشگاه راه‌آهن آشنا شد. «امیر ابوطالب» با به‌عنوان یکی از موسسان تیم فوتبال راه‌آهن می‌شناسند که بیش از ۱۰ سال به‌عنوان سرمربی این باشگاه حضور داشت و بازیکنان زیادی را به فوتبال ایران معرفی کرد. امیر ابوطالب متولد ۱۳۱۶ در تهران بود. به‌دلیل شغل پدر که کارمند راه‌آهن بود، او فوتبال را از زمین‌های خاکی راه‌آهن آغاز کرد و خیلی زود به تیم جوانان راه‌آهن، سپس به تیم دپهیم تهران (وابسته به باشگاه تاج) راه یافت. امیر در کنار پرویز (برادرش) از بازیکنان شاخص تیم دپهیم شدند و در سال ۱۳۳۸، دو برادر کمک‌شایانی کردند تا این تیم قهرمان دسته‌دوم تهران شود. امیر ابوطالب در دهه ۴۰ مربی تیم دارایی بود و دستیارش اردشیر لارودی از روزنامه‌نگاران قدیمی ایران بود و آن دو تحول خاصی را در تیم دارایی رقم زدند. امیر ابوطالب البته از نام‌لامتی‌های برخی مسئولان و بی‌توجهی به پیشکسوت‌های فوتبال، دل‌پُردردی داشت. او در یکی از مصاحبه‌های تلویزیونی گفته بود: «هشت سال پیاپی تیم فوتبال جوانان راه‌آهن با مدیریت من قهرمان تهران شد که این اتفاق هیچ‌وقت دیگر در تاریخ فوتبال ایران تکرار نمی‌شود. بازیکنان زیادی به فوتبال ایران معرفی کردم ولی مسئولان حتی یک لیوان آب هم به من ندادند. برای اینکه شخصی از من تعریف کند، کار نکردم و اصلاً محتاج کمک کردن کسی نیستم اما احترام از ارزش‌گذاری به پیشکسوتان، اینجا مشخص می‌شود. می‌توانستند ما را دل‌گرم کنند، اما بی‌توجهی مسئولان باعث شد تا امثال من برای کار کردن دلسرد شویم. هیچ‌وقت دنبال پول گرفتن نبودم، اما توقع محبت داشتم». در دوران فوتبال، امیر ابوطالب هم‌بازی بزرگان فوتبال ایران نظیر علی جباری، اکبر کارگر جرم، بیوک وطن‌خواه، رضا وطن‌خواه و مسعود معینی بود و از بازیکنان فعال و فنی فوتبال پایتخت به‌شمار می‌رفت. پس از پایان دوران بازیگری، امیر ابوطالب از اواخر دهه ۴۰ وارد عرصه مربیگری شد. مهم‌ترین دوران مربیگری او به باشگاه راه‌آهن تهران بازمی‌گردد؛ جایی که از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۷ هدایت تیم را برعهده داشت. پس از انقلاب نیز در سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ هدایت باشگاه دارایی تهران را در اختیار گرفت که پیش‌تر در این باره گفته شد. امیر ابوطالب در آخرین مصاحبه‌هایش با ناراحتی تمام از بی‌تفاوتی مسئولان نسبت به نابودی تیم راه‌آهن گفته بود که چطور ممکن است یکی از قدیمی‌ترین باشگاه‌های قاره آسیا به چنین روزی افتاده باشد: «این که حاصل دست‌رنج من و دوستانم در باشگاه راه‌آهن مقابل چشمان مان نابود شده، بسیار ناراحت‌کننده است. روزگاری در اکباتان، تیم فوتبال راه‌آهن که بازی داشت، جمعیتی می‌آمد که خیابان قفل می‌شد اما حالا همه چیز سیاه و سفید است و دیگر هیچ چیز رنگی نیست؛ نه راه‌آهن، نه جنب‌وجوش فوتبالی».



تاریخ

انقصاد قرارداد تیلسیت



پیمان تیلسیت، نام دو موافقت‌نامه بود که پس از پیروزی در نبرد فردیلند از سوی ناپلئون بناپارت در شهرکی به همین نام، در سال ۱۸۰۷ میلادی به امضاء رسید. نخستین پیمان در تاریخ هفتم ژوئیه میان ناپلئون و الکساندر یکم، تزار روسیه، روی رود نمان روی یک قایق امضاء شد. تصمیم به ملاقات روی قایق، بیانگر برابری کامل هر دو امپراتور بود. پیمان دوم هم در تاریخ نهم ژوئیه با پادشاهی پروس بسته شد. این پیمان به جنگ بین روسیه و فرانسه پایان داد و اتحادی بین دو امپراتوری آغاز کرد که بقیه اروپا را ناتوان و متحیر ساخت. دو کشور مخفیانه توافق کردند که در اختلافات به یکدیگر کمک کنند. فرانسه متعهد شد که به روسیه در برابر عثمانی کمک کند، در حالی که روسیه موافقت کرد که به سیستم قاره‌ای علیه امپراتوری بریتانیا پیوندد. فرانسه با امضای این پیمان‌ها، علاوه بر عثمانی، ایران را که پیش از آن به موجب پیمان‌نامه فینکشتاین به یاری فرانسه امیدوار بود، در برابر تجاوز روسیه تنها گذاشت و پایه‌گذار از دست دادن مناطقی از ایران در قفقاز همچون کشورهای کنونی جمهوری آذربایجان، گرجستان و ارمنستان شد.